كَيْفَ

- **کیف**
  - تلفظ دیگر در کیف
    - **و يقال فيها: «كي» كما مرّ**
  - نوع کیف
    - **وهو اسم**
      - به سه دلیل
        - **لدخول الجار عليه بلاتأويل[بإسم**
          - توضیح قید بلاتأویل
            - زیرا هر کلمه ای که بدون نیاز به تأویل رفتن، حرف جرّ بر سرش داخل شود، **قطعا** اسم است امّا **فعل** مؤوّل یا حرف مصدریّ به واسطه تأویل به اسم برده شدنشان می تواند حرف جرّ بر سرشان داخل گردد
          - مثال
            - **فی قولهم: «علی کیفَ تبیعُ؟**
        - **و لإبدال الاسم الصريح منه[بلا تأويل**
          - دمامینی: اگر قید بلا تأویل را نیاوریم مثال: یعجبنی أن تفعل الخیر[حسناتک إلی الفقراء، به عنوان مثال نقضی اشکال می شود
          - **نحو: «كيفَ أنتَ؟ أصحيحٌ أم سقيم؟**
        - **و للإخبار به مع مباشرته الفعلَ**
          - توضیح قید مع مباشرته الفعل
            - یعنی این کلمه نه می تواند حرف باشد زیرا حرف مخبر به واقع نمی شود و نه می تواند فعل باشد زیرا هیچ گاه فعل در کنار فعل به صورت متصل و مباشر قرار نمی گیرد (دمامینی)مگر در صورتی که دوّمی تأکید اولی باشد مانند: قام قام زیدٌ که تأکید نیز در ما نحن فیه منتفی است
          - مثال
            - **فی نحو: «کیف کنت؟**
            - **فبالإخبار به انتفتِ الحرفية، و بمباشرة الفعل انتفت الفعلية**
    - وجوه استعمالی کیف
      - **و تستعمل علی وجهين**
        - **أحدهما**
          - **أن تكون شرطاً**
            - **فتقتضی فعلين**
              - **متفقی اللّفظ و المعنی**
                - خطیب: اتفاق در معنی مثال کیف تصلّی أصلّی را خارج می کند در صورتی که یکی به معنای نماز و دیگری به معنای دعا باشد.
              - **غير مجزومين**
            - مثال
              - **نحو: «كيف تصنع أصنع**
                - **و لا «كيف تجلسْ أجلسْ» بالجزم عندالبصريين إلاّ قُطرُباً**
                - **و لا يجوز «كيف تجلس أذهب» باتفاق**
                - **و قيل: يجوز مطلقاً**
                - **و إليه ذهب قطرب و الكوفيون**
                - **و قيل: يجوز بشرط اقترانها ب «ما**
                - دلیل جازم نبودن کیف
                - **لمخالفتها لأدوات الشرط**
                - **بوجوب موافقة جوابها لشرطها كما مرّ**
            - **قالوا: و من ورودها شرطاً**
              - **يُنفِقْ كيفَ يشاءُ(المائدة / 64**
                - **و جوابها محذوف لدلالة ما قبلها**
                - **و هذا[الورود] يشكل علی إطلاقهم: أن جوابها يجب مماثلته لشرطها**
                - امیر و شمنی: مراد از علی اطلاقهم: یعنی اگر به صورت مطلق بگویند مماثلت شرط است اشکال پیش می آید امّا اگر لزوم مماثلت را مقید به حالت ذکر جواب می کردند و مماثلت را در موارد حذف جواب شرط نمی کردند اشکال پیش نمی آمد
        - **الثانی**
          - **و هو الغالب فيها أن تكون استفهاماً**
            - **إما حقيقياً، نحو: «كيفَ زيد؟**
            - **أو غيره، نحو: كيفَ تكفُرُونَ بالله(البقرة / 28)الآية**
              - دسوقی: استفهام غیر حقیقی در کیف عبارت است از استفهام انکار ابطالی یا انکار توبیخی یا تعجب
            - **فإنه أخرج مخرج التعجب**
          - نقش ترکیبی کیف استفهامیّ
            - **و تقع**
              - **خبراً**
                - **قبل مالا يستغنی[عن الخبر**
                - **نحو**
                - **قول الكميت فی آل البيت**
                - **فَمِن أينَ أو أنّی و كيف ضلالُهم هُدی و الهوی شتّی بهم مُتَشَعِّبِ**
                - انکال به شاهد مثال
                - کیف در این مثال قبل از ما لا یستغنی تیامده است زیرا خبر ضلالهم، هدی می باشد نه کیف بلکه در این مثال جار و مجرور(مِن أینَ، مِنْ أنّی) متعلق به هیئت جمله اسمیه که در حکم حرف عامل است می باشد و کیف نیز ظاهرا حال از هیئت جمله اسمیه است
                - ترجمه
                - پس از کجا یا از چه زمان و چگونه گمراهی آنان هدایت است در حالی که گمراهی آنان طرُق کننده آنها و باعث ایجاد گروه های مختلف در آنها شده است
                - **و قول أمير المؤمنين (عليه السلام**
                - **كيف يكون حال مَنْ يُفنی ببقائه و يَسُقُّ بصحته و يُؤتی من مَأمَنه؟**
                - ترجمه
                - چگونه می باشد حال کسی که به فنا می رود به واسطه بقاءش و مریض می شود به واسطه تندرستیش و از محل امن و امانش برده خواهد شد
              - **و منه**
                - **كيف ظننت زيداً؟**
                - **و: كيفَ أعلمته فرسک؟**
                - **لأن ثانی مفعولی «ظنّ»و ثالث مفعولات «أعلم**
                - **خبران فی الأصل**
              - **و حالاً قبل ما يستغنی[عن الخبر**
                - مثال
                - **نحو: «كيفَ جاء زيدٌ؟**
                - **أی: علی أی حالة جاء زيد؟**
              - **و الصواب: أنها تأتی فی هذا النوع[أمير]أی فی نوع مجيئها للاستفهام] مفعولاً مطلقاً أيضاً**
                - خطیب: مراد مفعول مطلق نوعی نیابی است یعنی کیف صفت برای مفعول مطلق محذوف است
                - **و أن منه**
                - **كيفَ فَعَلَ رَبُّک(الفيل / 1**
                - دلیل بر مفعول مطلق بودن
                - **إذ المعنی: أیَّ فعل فعَلَ ربُّک**
                - زیرا لازمه اش اثبات عروض حالت های مختلف برای خداست که محال است یا به عبارت دیگر خدا کیف ندارد
                - **و لا يتجه فيه أن يكون حالاً من الفاعل**
              - **و عن سيبويه: أن «كيف» ظرف**
                - زیرا کیف را به معنای "فی أیّ حالٍ" می گیرد
                - **و عن السيرافی و الأخفش: أنها اسمٌ غير ظرف**
                - **و هو حسن**
                - دلیل حسن بودن قول سیرافی و اخفش
                - **و يؤيده**
                - **الإجماع[علی أنها غير ظرف**
                - **علی أنه يقال فی البدل: «كيف أنت؟ أصحيح أم سقيم؟» بالرفع**
                - **و لا يبدل المرفوع من المنصوب**
  - بررسی ترکیبی یک آیه
    - **تنبیه**
      - **قوله تعالی**
        - **أفلا ينظُرُونَ إلَی الإبلِ كيفَ خُلِقَتْ(الغاشية / 17**
          - در این آیه نقش کیف،بدل از الإبل نیست
          - **لاتكون «كيف» بدلاً من «الإبل**
            - به خاطر سه مشکل
              - **لأن دخول الجار علی «كيف» شاذ**
              - **علی أنه لم يسمع فی «إلی»، بل فی «علی**
              - **و لأن «إلی» متعلقة بما قبلها**
              - **فيلزم أن يعمل فی الاستفهام فعل متقدم عليه**
              - زیرا عامل در مبدل منه عامل در بدل است امّا هماطور که شمنی و امیر و رمزی متذکر شده اند می توان این اشکال را اینگونه حل کرد که یغتفر فی التوابع ما لا یغتفر فی الاوائل
              - **و لأن الجملة التی بعدها تصير حينئذ غير مرتبطة**
            - بلکه حال است
              - **و إنما هی منصوبة بما بعدها علی الحال**
              - **و فعل النظر مُعلّق**
              - **و هی و ما بعدها بدل من «الإبل» بدل اشتمال**
              - **و المعنی «إلی الإبل كيفية خلقها**
        - **و مثله**
          - تمثیل آیه مذکور به آیه دیگر در معلّق شدن فعل ما قبل
          - **أَلَمْ تَرَ إلی ربّک كيفَ مَدَّ الظّلَّ(الفرقان / 45**
        - **و مثلها فی إبدال جملة فيها «كيف» من اسم مفرد قوله**
          - تمثیل آیه مذکور به آیه دیگر در بدل اشتمال واقع شدن کیف و ما بعدش از اسم مفرد
          - **إلی الله أشكو بالمدينة حاجةً و بالشّام أخری كيفَ يلتقيان**
            - ترجمه
            - به خدا شکایت می برم حاجتم در مدینه و حاجت دیگرم را در شام که چگونه بین آندو جمع شود
            - **أی: أشكو هاتين الحاجتين تعذر التقائهما**
  - جمع بندی
    - نوع کیف
      - اسم است نه فعل و نه حرف
        - به سه دلیل
          - حرف جرّ برسرش داخل شده بدون تأویل پس نه فعل است و نه حرف زیرا فعل و حرف با تأویل به مصدر برده شدن می توانند حرف جر بر سرشان وارد گردد
          - بدل آمدن اسم صریح از آن
          - مخبر به واقع شدنش و مباشرتا کنار فعل واقع شدنش پس نه فعل است و نه حرف بلکه اسم است
    - وجوه استعمالی
      - شرطیه
        - جازمه در نزد کوفیین و غیر جازمه در نزد بصریین حتی در صورتی که با ما همراه گردد
      - استفهامیه
        - انواع
          - حقیقیه
          - مجازیه
    - نقش ترکیبی
      - در صورت شرطیه بودن
        - حال است
      - در صورت استفهامیه بودن
        - قبل از مالایستغنی عن الخبر
          - خبر
        - قبل از ما یستغنی عن الخبر
          - حال
          - مفعول مطلق
          - ظرف عند سیبویه
    - بررسی ترکیبی آیه شریفه افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت
      - کیف نمی تواند بل از الابل باشد بلکه حال از ضمیر خلقت است و کلّ جمله کیف خلقت بدل اشتمال از الابل است